

انتخابات و تهدیدهای داخلی و خارجی

بحرانی سراسر جامعه را فراگرفته و آثار ناشی از این بحران خود را در عرصه های مختلف نشان می دهد. حکومت با تمام قوا در مقابل مردم قرار گرفته و در هر رویداد سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی مردم به وضوح می بینند که برای حکومت گران سرنوشت مردم هیچ اهمیتی ندارد. این را مردم ایران در فاجعه زلزله بم، در بارش برف در بعضی از شهرهای ایران و یا آتش سوزی در مسجد ارک تهران مشاهده کردند.

حکومتی که از نعمت بارش برف، آن هم در کشوری که از کم آبی و یک دهه خشکسالی رنج می برد، نمی تواند به سود مردم استفاده کند، مدعی می شود که برای حفظ استقلال کشور به دنبال تامین سوخت اتمی می باشد.

روزنامه همشهری در شماره روز پنج شنبه ۲۹ بهمن خبر می دهد که «هر روز ۹۰۰ نفر دست و پایشان در اثر حرکت در کوجه ها و خیابانهای یخ زده می شکند.»

روزنامه شرق در سرمقاله روز یکشنبه ۲۵ بهمن خود با بررسی بارش برف و رقابتهای انتخاباتی ریاست جمهوری نوشت «مبارزه با زلزله و برف رادیکالترین نوع فعالیت سیاسی است.» شرق در همین شماره طی گزارشی در مورد بودجه دولت نوشت که: «در حالی که از بودجه میراث فرهنگی، سازمانهای زنان و جوانان، گردشگری و کمک به سازمانهای غیردولتی کاسته شده، سه هزار میلیارد ریال به بودجه دفتر ولی فقیه در دانشگاهها، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی و منازل طلاب افزوده اند.»

اما این افزایش بودجه به هیچ عنوان برای امنیت کسانی که به مساجد مراجعه می کنند هزینه نمی شود. حکومتی که خود را «ام القایب کشورهای اسلامی» می داند برای تامین گرمای مساجد چاره جویی نکرده و در یک حادثه آتش سوزی دهها تن جان خود را از دست می دهند.

روزنامه ایران در شماره روز چهار شنبه ۲۸ بهمن در مورد آتش سوزی مسجد ارگ خبر داده که آمار کشته شدگان آن به شصت و یک نفر رسیده است و از یک خانم مسن که اولین اطلاع رسان به آتش نشانی بوده نقل می کند که: «من با موبایلم به آتش نشانی زنگ زدم و آنان را در جریان قرار دادم ثانیه ای نگذشته بود که چادر برزنتی اطراف بخاری شعله ور شد، باور کنید اگر آن جا یک کپسول اطفای حریق یا شیلنگ آب بود چنین فاجعه ای رخ نمی داد.»

آخوندهای حاکم میلیاردها دلار برای ساختن سلاحهای کشتار جمعی و توسعه بنیادگرایی هزینه می کنند و برای تامین گرمای مسجد، که بنا به ادعاهایشان باید به آن اهمیت بدهند، روش ضد انسانی، غیر علمی و غیر مسئولانه ی آغشته کردن برزنتها با پارافین را به کار می برند.

کارگران ایران در ماههای گذشته طی دهها حرکت به ابعاد فاجعه بار زندگی خود و به تعرضی که به سطح زندگی و معیشت آنان صورت می گیرد اعتراض کرده اند. اعتصاب کارگران معادن در شمال بیش از ۲۰ روز است که ادامه دارد. بیکاری ابعاد فاجعه باری به خود گرفته و بنا به اعتراف گردانندگان حکومت بخش بزرگی از مردم زیر خط فقر زندگی می کنند. و این در حالیست که بنا بر گزارشهایی که منتشر شده، رژیم ایران صدها میلیون دلار برای پیروزی یک جریان خاص در انتخابات عراق هزینه کرده است و این در حالی است که بر طبق نامه اقتصاددانان خطاب به مجلس، که روزنامه ایران ۵ بهمن آن را در صدر اخبار خود آورده، تاکید شده که ایران تنها کشور خاورمیانه است که تورم در آن دو رقمی شده است. به موارد بالا می توان لیست بالا بلندی از فجایع مربوط به اعتیاد، فحشا و خیابان خوابی تا سرکوب روزمره کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان و روشنفکران اضافه کرد.

اینها نشانه های بحران حاد است که سراسر جامعه را فراگرفته و به علت کشاکشی که بین مردم و حکومت در مورد این بحران و نتایج آن وجود دارد، تضاد بین حکومت گران هر روز تشدید می شود. مساله انتخابات آتی تدارکچی نظام که بر آن نام «ریاست جمهوری اسلامی» گذاشته اند مهمترین مساله داخلی برای ولایت خامنه ای است.

خامنه ای پس از به سرانجام رساندن انتخابات فرمایشی مجلس و با اشغال این نهاد به وسیله پاسداران برای پاسداری از قوه مجریه خیز برداشته است. دستگاه ولایت برای رویارویی با چالشهای داخلی و بین المللی به تمرکز مدیریت بحران نیاز دارد و بدین منظور برای انتخاب یک کوتوله سیاسی در مسند تدارکچی نظام برنامه ریزی کرده است. بر اساس نقشه خامنه ای افرادی همچون علی لاریجانی و یا قالیباف و یا محمود احمدی نژاد که در پست ریاست جمهوری قرار می گیرد باید مجری اوامری باشد که ولی فقیه از طریق ناطق نوری به آنان ابلاغ می کند. بر اساس این نقشه و در عمل ناطق نوری به قمرالوزیری تبدیل می شود که در کنار شمس الوزیر، یعنی هاشمی رفسنجانی تعادل جدیدی به وجود خواهد آورد. و بالاخره این که نیروی اصلی برای پیشبرد این نقشه سپاه پاسداران است که از پروژه اتمی و فرصت رایگان عراق باید به بهترین نحو به سود پیشبرد این برنامه استفاده کند.

اما درست به علت چالشهای داخلی و بین المللی نظام، پیشرفت پروژه خامنه ای با موانع و تهدیدهای جدی روبروست. از مهمترین موانع داخلی در پیشبرد این پروژه عدم توافق در بین ذوب شدگان در ولایت و چگونگی برخورد با هاشمی رفسنجانی است.

در ماه گذشته تمامی تلاش طرفداران خامنه ای، که در «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» به سرپرستی ناطق نوری متشکل شده اند، برای معرفی یک کاندیدای واحد نقش بر آب شد. این شورای دست نشانده ولی فقیه با وجود آن که تعداد اعضای آن از ۵ نفر به ۱۱ نفر افزایش پیدا کرد، نه فقط نتوانست یک نامزد واحد معرفی کند، بلکه هر روز شکاف جدیدی در آن بروز کرد.

بعد از علی اکبر ولایتی، محسن رضایی نیز به صورت فردی وارد صحنه شد. دلیلی که محسن رضایی برای عرضه اندام مستقلانه اعلام کرد «تردید در عدالت» شورای هماهنگی نیروهای انقلاب بود. هفته نامه «شما» ارگان حزب موتلفه اسلامی در شماره روز جمعه ۹ بهمن ۱۳۸۳ در مقابل این افراد موضع گرفته و به نامزدهای مطرح جناح راست توصیه کرده برای استفاده از حمایت نیروهای انقلاب از رفتارهای «خودسرانه، مستقل و ناهماهنگ» پرهیز کنند. به نظر حزب موتلفه اسلامی، خروج برخی چهره ها از میان نامزدهای انتخاباتی نشان دهنده «حذف افرادی است که فاقد پایگاه اجتماعی» هستند و زمینه را برای دستیابی به نامزد اصلح فراهم می کند.

هفته نامه نسیم البرز در شماره روز جمعه ۱۶ بهمن خود از طرفداران ذوب در ولایت درخواست کرده که وحدت خود را حفظ کنند زیرا «در صورت شکست روزگاری بدتر از گذشته در انتظار» آنهاست.

درست در حالی که یک مجله وابسته به بیت خامنه ای این گونه به ذوب شدگان در ولایت هشدار می دهد، دستگاه ولایت با زیر پا گذاشتن «اصل عدالت» در مورد گماشتگان خود پرده ها را کنار زده و علی لاریجانی را وارد کارزار با رقبای نموده است.

روزنامه ایران در شماره روز جمعه ۳۰ بهمن می نویسد: «اختلاف در جناح محافظه کار بالا گرفته و با نهای شدن نامزدی علی لاریجانی، رئیس سابق صدا و سیما، چهار نامزد دیگر این جناح در گوشه و کنار اعلام استقلال کرده اند.» بدین ترتیب تلاش و هیاهوی اولیه «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» برای انتخاب «عادلان» یک نامزد و نشستهای تبلیغاتی ذوب شدگان در ولایت چیزی برای این امر با شکست مواجه می شود.

اما این شکست گرچه برای ولی فقیه چندان مطلوب نیست، اما مانع اصلی در مقابل پیشبرد نقشه خامنه ای نیست.

مانع اصلی داخلی و مهمترین چالش خامنه ای چگونگی برخورد با هاشمی رفسنجانی است.

روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز چهارشنبه ۷ بهمن ۱۳۸۳ خبر می دهد که «۱۰۰ نماینده مجلس» از رفسنجانی درخواست کرده اند که نامزد انتخابات شود.

روزنامه شرق در شماره روز سه شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۸۳ و در عنوان نخست خود خبر «دیدار ۳۰ عضو مجمع نمایندگان روحانی مجلس با اکبر هاشمی رفسنجانی» را منتشر کرد.

همین روزنامه در سرمقاله روز یکشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۸۳ خود از «ظهور افراطی گری در داخل و در سطح بین المللی» خبر داده و می نویسد: «هم کشور و هم نظام در معرض چالشی بزرگ قرار گرفته و این مهمترین دلیل برای نیاز به اکبر هاشمی رفسنجانی در راس دولت است.»

هاشمی رفسنجانی بارها گفته است که اگر احساس کند نظام (بخوانید ولی فقیه) به من نیاز دارد به صحنه خواهم آمد. منظور رفسنجانی از «احساس نیاز» چراغ سبز خامنه ای نیست. رفسنجانی که از موقعیت بحرانی دستگاه ولایت به خوبی آگاه است خود را در موقعیتی قرار می دهد تا ولی فقیه از او درخواست کند. رفسنجانی البته به همه ی مانورها و ماجراجوییهای خامنه ای اشراف داشته و از نظر اصولی با این سیاستها هیچ مخالفت جدی ندارد. عشوهِ گریهای رفسنجانی برای آمریکا هم او را از نامزدان مورد حمایت خامنه ای متمایز نمی کند. روزنامه اعتماد در شماره روز سه شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۸۳ در بررسی نگاه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به آمریکا نقطه اشتراک تمام آنها را در این دیده است که هیچ کدام «نفس برقراری رابطه با آمریکا را مذموم تلقی نمی کنند.»

در همین شماره روزنامه اعتماد نظر احمد توکلی منعکس شده که گفته است «رابطه با آمریکا نه مثل شراب حرام و نه مثل نماز واجب است.»

آن چه هاشمی رفسنجانی را در این شرایط به یک معضل برای ولایت خامنه ای تبدیل کرده، نه خارج از دستگاه نواختن رفسنجانی بلکه عدم توانائی خود خامنه ای برای مدیریت بحران، به ویژه در مقابله با تهدیدهای خارجی است.

برای رفسنجانی هم استفاده از پروژه اتمی و عراق به مثابه فرصتهای جمهوری اسلامی غیر قابل انکار است. اما از نظر رفسنجانی تنور این فرصتها را نباید آن قدر داغ کرد که نان به کلی بسوزد.

تهدیدهای خارجی در تصمیم گیری ولی فقیه عامل تعیین کننده دارد چرا که به گفته حسن روحانی «شرایط فعلی مناسب نیست.» (همشهری ۲۴ بهمن ۱۳۸۳)

اما علت نامناسب بودن شرایط از نظر حسن روحانی این است که: «روسها، آلمانها و فرانسویها که در گذشته، در ماجرای عراق علیه آمریکاها وارد عمل شدند و اجازه مطرح شدن پرونده ایران را در شورای امنیت ندادند امروز برای نزدیکی به آمریکا و جبران گذشته تلاش می کنند... و هیچ کشوری از حق وتوی خود به نفع ایران استفاده نخواهد کرد و ما نمی توانیم رفتار سیاسی کشورمان را بر این مبنا تنظیم کنیم.» (همانجا)

حسن روحانی در پاسخ به سوال روزنامه جام جم که در روز دوشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۸۳ منتشر شد به طور دقیقتر مشکل را مطرح می کند.

جام جم از حسن روحانی پرسیده که «آیا این درست است که در واقع در ماجرای هسته ای، دو سر اصلی بازی ایران و آمریکا بوده اند و اروپا هیچ کاره و حداکثر عروسک کاخ سفید است؟» و حسن روحانی پاسخ می دهد که: «در این که در ماجرای هسته ای، دو طرف اصلی، ایران و آمریکا هستند، من هم تردیدی ندارم و این را قبول دارم.»

روزنامه ایران در روز دوشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۸۳ در گزارشی از اجلاس امنیتی مونیخ نوشت: «مهمترین نطقها و حواشی اجلاس مونیخ به پرونده هسته ای ایران و مذاکرات جاری اروپا با ایران اختصاص یافت.» به نوشته این روزنامه، وزیر دفاع آمریکا از «اتفاق نظر اروپا و آمریکا درباره موضوع ایران» سخن گفت و خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، و یوشکا فیشر، وزیر خارجه آلمان، از «احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و همراهی اروپا با آمریکا در صورت عدم انعطاف ایران سخن راندند.»

دو مانع داخلی همراه با تهدیدهای خارجی مجموعه پیچیده ای به وجود آورده که عبور از آن برای خامنه ای میسر نیست. بنابر این بهترین گزینه برای او آن چنان انتخابی است که هیچ یک از تهدیدهای خارجی را به نقطه تعیین تکلیف نهایی نرساند. در مورد این تاکتیک مقابله با بحران از طریق ادامه وضع موجود خامنه ای با رفسنجانی کاملا همسو هستند و بنابر این هرگاه خامنه ای به این نتیجه برسد که با به قدرت رساندن کوتوله های سیاسی قادر به ادامه این تاکتیک نیست، به رفسنجانی تن خواهد داد و این برای ولی فقیه یک عقب نشینی خواهد بود که مسلما آثار و نتایج خود را خواهد داشت.